

بررسی و تحلیلی پیرامون افسانه‌ای به نام ام کلثوم

محمد رضا طیبیب^۱؛ عبدالعزیز موحد^۲؛ غفار پوربختیار^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۲۷

چکیده

زینب کبری (س) دختر حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌باشد که در سال ششم هجری چشم به جهان گشوده است، نام زینب را پیامبر (ص) بر او نهاد و برای احترام و تکریم ایشان کنیه‌های مختلفی در تاریخ به او داده‌اند، همچون عقیله بنی هاشم، ام کلثوم، در ادبیات عرب ام کلثوم لقبی برای احترام به یک بانوی عزیز است که برای تکریم او بشمار می‌رود. ام کلثوم یکی از کنیه‌های معروف و متداول حضرت زینب (س) است که به او داده‌اند. علی رغم شهرت این بانوی بزرگ اسلام و نقش آفرینی ایشان به ویژه در واقعه هولناک کربلا، همچون سایر مسائل مربوطه به زندگی ائمه که بسیاری از وقایع زندگی آنها در هاله‌ای از ابهام است. (به واسطه قدرت‌های مسلط زمان همچون بنی امیه و بنی عباس، که دشمنان اهل بیت بوده‌اند زندگانی حضرت زینب (س) نیز دارای ابهاماتی است از جمله اینکه آیا زینب همان ام کلثوم است یا اینکه مربوط به دو دختر حضرت علی (ع) و فاطمه (س) می‌باشد؟ در این پژوهش که به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی نگاشته شده است نگارنده با استفاده از منابع اصلی تاریخی به این نتیجه رسیده است که ام کلثوم همان زینب (س) است و حضرت فاطمه و حضرت علی (ع) فقط یک دختر داشته‌اند آن هم زینب (س) بوده است که کنیه ایشان ام کلثوم بوده است).

واژگان کلیدی: کنیه، ام کلثوم، زینب، علی(ع)، فاطمه(س)

^۱ دانشجوی دکتری گروه تاریخ اسلام، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران.

tabibmohammadreza@gmail.com

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. (نویسنده مسئول)

movahed.2011@yahoo.com

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران. porbakhtiarghafar@yahoo.com

مقدمه

در میان مباحث تاریخ اسلام ابهامات زیادی وجود دارد! درخ داده‌های تاریخی و همچنین در مورد شخصیت‌های تاریخی بطور عام و در این میان پیرامون شخصیت‌های شیعه به طور خاص ابهاماتی وجود دارد. و این ابهامات در مورد شیعه بیشتر و پر رنگ‌تر است. زیرا به دلیل دشمنی حکمرانان وقت زمان یعنی (بنی امیه و بنی عباس) و نیز منافع و مقاصدهای گروه‌ها و فرقه‌های مذهبی برخی جعلیات و تحریفات را پراکنده‌اند. و مطالب آنقدر تکرار شده‌اند، تا آنجا که حتی برای پیروان مذهب شیعه و سنی نیز به عنوان یک حقیقت مسلم تاریخی پذیرفته شده‌اند. آشکار ساختن این تحریف‌ها و پدیدارسازی این واقعیت‌ها کمک شایانی به شناخت تاریخ راستین تشیع و زندگانی ائمه شیعه و به طور کل اهل بیت خواهد کرد. زندگانی حضرت زینب (س) علی رغم شهرت ایشان و نقش آفرینی آن حضرت در وقایع مهم تاریخ اسلام به ویژه در صحنه کربلا و پیام رسانی آن واقعه (هم در دوره اسارت و پس از آن) دارای ابهاماتی است که می‌بایست مورد بررسی و مطالعه دقیق و جدی قرار گیرد. با توجه به مطرح شدن دودختر با نام‌های زینب و ام کلثوم برای حضرت فاطمه (س) و علی (ع) و مسائل جانبی در این رابطه در تاریخ وجود دارد. (که حوادث و جریانات تاریخی را به آنها نسبت داده‌اند که وانمود میشود اینها دو شخصیت هستند). نگارنده را در پی پاسخ دادن به این پرسش است که آیا زینب و ام کلثوم دو شخصیت جداگانه هستند؟ یا اینکه هر دو یک شخصیت می‌باشند؟ در ضمن فرضیه بر این است که این دو عنوان مربوط به یک شخصیت است و ام کلثوم در حقیقت کنیه حضرت زینب (س) می‌باشد. نگارنده برای دستیابی به پاسخ دادن به این پرسش به دور از هرگونه تعصب و صرفاً با استناد و استفاده از منابع تاریخی دست اول، تاریخ اسلام با استفاده از شیوه‌ی تحقیق توصیفی-تحلیلی اقدام کرده است.

از آنجایی که پژوهشگران معاصر پیرامون این موضوع مطالبی نگاشته‌اند که سعی در اثبات نظر خود داشته‌اند. مورخان به اتفاق نظر تولد ام کلثوم و حضرت زینب را در سال ششم هجری ثبت کرده‌اند. و رحلت آن بانو را چهار ماه و ده روز بعد از سفر اسارات واقعه کربلا نوشته‌اند. و از طرف دیگر همسر او را فرزند جعفر طیار می‌دانند. و معتقدند، که در آخرین شب شهادت امام علی (ع) در خانه ام کلثوم و بعضی از مورخان در منزل زینب نوشته‌اند، مهمان بوده است، که هر دو یکی است و هیچ کدام از محققین که در این زمینه مطلبی نگاشته‌اند متوجه این امر نشده‌اند. به طور مثال محمد

علی دخیل در کتاب ام کلثوم ترجمه صادق آینه وند را می‌توان به عنوان نمونه نام برد. (دخیل، ۱۳۶۱: ۹).

ماهیت اسم واسم گذاری

اسم تنها وسیله‌ای است، که رابطه آدمی را با پیرامون خود برقرار می‌سازد. بدون اسم هیچ رابطه‌ای میان افراد برقرار نمی‌شود. ساده‌ترین گفتگو بین انسانها بایکدیگر و همچنین آموزش و شناخت افراد با نام ممکن است. در این میان، نام گذاری افراد از اهمیت خاصی برخوردار است. چه نام‌هایی که یادآور هیچ ارزشی نیست. و صاحب نام را به هیچ خیر و خوبی ثوق نمی‌دهد. و هیچ معنا و مفهومی خاصی ندارد، بلکه فقط تنها دارای ظاهری زیباست و از این بابت هیچ محتوا و ارزشی دیگری ندارد. (غلامی، ۱۳۹۳: ۹).

تفاوت نام و لقب و کنیه

میان اسم و لقب تفاوت وجود دارد، نامی که فرد را با آن صدا می‌کنند و او را از دیگری باز می‌شناسند اسم است، مانند علی(ع)، فاطمه(س)، حسن(ع)، حسین(ع). لقب نامی است که در بردارندمدح و ستایش باشد. مانند: امیرالمومنین، باقرالعلوم، سیده النساء العالمین، سیدالشهداء، البته گاهی لقب در نکوهش فرد بکار می‌رود مانند کذاب. کنیه نامی است که به طور کنایه به فرد نسبت داده می‌شود. و منظور از آن، بزرگداشت و احترام شخص است. در میان مردم عرب کنیه با کلمه اب و ام شروع می‌شود. مانند ابالحسن، ابوالقاسم. ام الحسن، ابا محمد. در فارسی برای احترام اشخاص بجای لقب نام مستعار یا صفت مانند: دلاور، فیلسوف، علامه، بکار می‌رود. ولی در لسان عرب برای احترام کنیه را قبل از اسم بکار می‌برند. مثل ام کلثوم، ام ابیها، ام الائمه، ام ولد.

همسر ام کلثوم یا زینب کبری(س) به روایت تاریخ بیهقی

بیهقی نیز در کتاب خود نام همسر ام کلثوم را عبدالله ابن جعفر آورده است. (بیهقی، ۱۳۳۴: ۷/۱۶۷) که منظور از ام کلثوم همان حضرت زینب کبری(س) است.

روایات متناقض و متعدد، پیرامون ام کلثوم به روایت مورخین

محسن امین، اعتقادش بر این است، که امام علی(ع) سه دختر بنام ام کلثوم داشته است که از مادرانی غیر حضرت زهرا(س) بوده‌اند که کنیه آنها ام کلثوم بوده است. (امین، ۱۴۰۶: ۱/۳۲۷).

تعداد فرزندان امام علی(ع) از حضرت زهرا(س) به روایت مورخین

ابن اثیر روایت کرده است: فاطمه (س) همسر علی (ع) بود. و برای علی (ع): فرزندان بنام‌های حسن (ع) و حسین (ع) و محسن (ع) و زینب (س) را به دنیا آورد. (ابن اثیر، بی تا: ۹/۱۲).

به روایت الصاحی الشامی در کتاب سبل الهدی والرشاد: فرزندان علی(ع) از فاطمه(س) را: حسن(ع) و حسین (ع) و محسن(ع) و زینب کبری(س) نقل کرده است. (الصاحی الشامی، ۱۴۱۴: ۱۱/۲۸۸). شیخ محمد خضری از دانشمندان اهل سنت مصر نیز معتقد است که فاطمه الزهرا(س) فقط سه فرزند داشته است و می نویسد که عبارتند از: حسن(ع) و حسین(ع) و زینب(س) نتیجه این ازدواج از علی(ع) و فاطمه(س) هستند. (الخضری، ۱۴۱۹: ۱/۱۱۱). در تاریخ آوردند که امیرالمومنین علی (ع) چهار دختر داشته است که همه کنیه ام کلثوم داشته‌اند. (المجدی، ۱۳۸۰: ۱۱، ۱۷)، (طبری، ۱۳۶۲، ۴/۱۱۸)، (طبرسی، ۱۳۹۹: ۲۰۳). شمس الدین محمد ابن طولون دمشقی حنفی می گوید: حسن (ع)، حسین(ع)، محسن(ع)، ام کلثوم(س) از فرزندان علی (ع) هستند. (فاطمی، ۱۳۸۵: ۲۲). فرزندان حضرت فاطمه (س) از امام علی (ع) عبارتند از: حسن(ع) و حسین(ع) و محسن(ع) و ام کلثوم (س) را به دنیا آورده است. (دینوری، ۱۴۰۷: ۱۴۳، ۲۱۰). خوارزمی در کتاب مقتل الحسین (ع) آورده است: فاطمه (س) برای علی (ع) چهار فرزند آورده است، که عبارتند از: حسن (ع)، حسین(ع)، محسن(ع)، ام کلثوم کبری(س)، را به دنیا آورده است. (خوارزمی، ۱۳۶۳: ۱/۸۳)، (بحرانی، ۱۳۸۷: ۱/۲۷۲) منظور از ام کلثوم کبری همان زینب کبری(س) است. علمای اهل سنت ام کلثوم را فرزند سوم علی(ع) می دانند. که همان زینب(س) به روایت شیعه است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۷۸/۴۲).

ام کلثوم یا زینب کبری دختر فاطمه(س) و علی(ع)

یکی از اشخاصی که در زندگی وی اختلاف نظر و تشویش آراء زیادی وجود دارد ام کلثوم است. ریشه این اختلافات بخاطر وجود تعدادی از فرزندان امیر المومنین علی(ع) با این کنیه است. و در نتیجه

برخی از مورخین و راویان در خصوص لفظ ام کلثوم به عنوان کنیه وحدت نظر دارند. به عنوان مثال: لفظ خانم، بی بی، بانو، خاتون، بیگم، حبابه، بعنوان لقب برای شخصی محترم بکار برده می شود. که متأسفانه مورخان بخاطر نداشتن اطلاعات کافی یا آشنا نبودن به الفاظ و ناتوانی در تشخیص، آن را اسم قرار داده‌اند. درباره ام کلثوم مطلب بسیاری در تاریخ نوشته شده است. به طوری که همه به صورت متناقض اند. که هیچ کدام مکمل دیگری نیست. و این مطلب مختص یک فرقه خاص نبوده است. بلکه مورخان و محدثان شیعه و اهل سنت درباره چیزی که از اصل وجود خارجی نداشته است. قلم فرسایی کرده‌اند. برخی از سیره نویسان ام کلثوم را زینب صغری نوشته‌اند. (طبری، ۱۳۶۲: ۴/۱۱۸)، که این ام کلثوم همان ام کلثوم معروفی است که در تاریخ آورده‌اند: ام کلثوم نامش نفیسه و مادرش ام سعید ثقفی است. (شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۳/۳۵۰)، که گفته می شود مادرش کنیز بوده است. (بلادری، ۱۳۴۹: ۲/۴۱۵)، درباره وی نوشته‌اند که وی همسر عبدالله ابن عقیل و سپس همسر کثیر پسر عباس ابن عبدالمطلب و بعد از آن همسر پسر دیگر عباس شد. (المجدی، ۱۳۸۰: ۱۱)، (طبرسی، ۱۳۹۹: ۲۹۰)، (بغدادی، بی تا: ۱۲۳). و به روایتی دیگر ام کلثوم صغری نامش رقیه و مادرش کنیز بود. (طبرسی، ۱۳۹۹: ۲۰۴)، (المجدی، ۱۳۸۰: ۱۸، ۱۱) (بلادری، ۱۳۴۹: ۲/۴۱۴)، و در تاریخ این شخص را ام سعید هم نوشته‌اند. (شهر آشوب، ۱۴۱۲: ۳/۳۵۰) (اصفهانی، ۱۴۲۶: ۹۸)، (طبری، ۱۳۶۲: ۴/۳۵۹)، درباره او گفتند که وی همسر مسلم ابن عقیل شد. و از او دو پسر متولد شد که یکی از آنان عبدالله است که در واقعه کربلا شهید شد. (المجدی، ۱۳۸۰: ۱۱ و ۱۸).

سفارش حضرت فاطمه (س) در آخرین لحظه حیات پیرامون ام کلثوم به علی (ع)

یا علی (ع) هرگاه ام کلثوم بالغ شد، و به سن ازدواج رسید. اثاثیه خانه مرا به عنوان جهیزیه به او بده. (محمد هاشم، ۱۳۸۲: ۸۵). یا علی (ع) سلام مرا به فرزندانم برسان. (محمد هاشم، ۱۳۸۲: ۸۶)، طبق روایت منظور امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و ام کلثوم (س) بوده است. پس معلوم می شود با عنایت به سفارش حضرت فاطمه (س) به امام علی (ع) برای ازدواج تنها دخترش بوده است. که منظور ایشان زینب کبری (س) است، زیرا او در منزل حضور داشته و حدود ۵ ساله بوده است، و دختر دیگری در کار نبوده است، که حضرت فاطمه (س) از او نام ببرد، پس بنابراین حضرت زهرا (س) در وصیتش به علی (ع) سفارش حضرت زینب را کرده است. و برای احترام خاصی که برای زینب عقیده بنی هاشم (س) قائل بود، او را به کنیه که همان ام کلثوم بوده است از او یاد کرده و نام برده است. (طیسی، ۱۳۹۴: ۴۱۱).

ولادت حضرت ام‌کلثوم یا زینب کبری(س) به روایت مورخین

مورخان تاریخ ولادت ام‌کلثوم را سال ششم هجری قمری می‌دانند. (هیثمی، ۱۳۸۵: ۳۵). به روایت شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع ولادت ام‌کلثوم رادرزمان پیامبر(ص) بوده است. (صدوق، ۱۴۰۸: ۱/۱۸۶).

ارزش ومقام حضرت زینب (س) دخترعلی (ع) و فاطمه(س)

از آنجایی که فرزندان حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) فرزندان پیغمبر محسوب می‌شوند و نسل حضرت پیامبر (ص) از آن دو بزرگوار می‌باشد. حضرت زینب(س) منتصب به پیامبر(ص) و از طرف دیگر فرزند حضرت فاطمه (س) و امام علی (ع) می‌باشد. حضرت زینب(س) که دارای فعالیت‌های اجتماعی ویژه‌ای در تاریخ بوده است، و دارای سجایای اخلاقی منحصر به فردی در تاریخ اسلام است. در نزد شیعیان محترم است، و از طرف دیگر ایشان از نظر علمی، عقیده بنی هاشم و پس از امام حسین(ع) قافله سالار قیام کربلا و حافظ خيام امام حسین (ع) بوده است. و مصیبت‌های قیام امام حسین (ع) در واقعه کربلا بر دوش ایشان بوده است. این بانو وصی امام حسین (ع) پس از شهادت و رییس کاروان اسرای کربلا بوده است بطوری که دوخطبه تاریخی ایشان، یکی در مجلس ابن زیاد در کوفه و خطبه دیگر آن حضرت در مجلس یزید در شام را داشته است. که شیعه و سنی آن را روایت کرده‌اند. وازطرف دیگر جان امام سجاد(ع) را در ماجرای اسارت از دست دشمنان نجات داد است. (مفید، ۱۴۱۳: ۲/۱۱۵)، (الکائی، ۱۳۸۰: ۲۸). خطبه‌ای را که مورخان از، زبان ام‌کلثوم در مجلس ابن زیاد نقل می‌کنند. همان خطبه زینب(س) است که علامه مجلسی آن را در بحارالانوار آورده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۱۹۷).

در تاریخ آورده‌اند یک مرد شامی فاطمه خواهرش را به عنوان کنیز از یزید درخواست کرد. حضرت زینب لب به سخن گشود و یزید را مورد خطاب و عتاب قرار داد تا جایکه یزید از گفته خود پشیمان شد. که داستان آن در تاریخ مفصل است. بطوری که ایشان از فشار غم و غصه، شهادت و فراق امام حسین (ع) یکسال بعد از واقعه کربلا دوام نیاورد و از دنیا رفت. (عسقلانی، بی‌تا: ۱۶۶، ۸/۱۶۷۷).

دلایلی که اثبات می‌کند ام‌کلثوم همان زینب (س) است:

۱) در جریان فدک حضرت علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و ام کلثوم را به عنوان شاهدان برای حقانیت و مالکیت حضرت زهرا (س) بر فدک عنوان کرده است. (عسقلانی، ۱۳۸۵: ۳۷).
واضح است که حضرت زینب (س) که دختر بزرگ شان بوده نام نبرده است. در صورتی که اگر خواهر بزرگتر وجود داشت، که زینب (س) است چطور می شود که کلثوم بچه ای سه ساله را به قول خودشان از زینب کوچکتر بوده است، را شاهد بیاورد، پس حضرت زهرا (س) دختری بنام ام کلثوم نداشته است. بلکه ام کلثوم کنیه حضرت زینب (س) است و از طرف دیگر در ماجرای وصیت حضرت فاطمه (س) به امام علی (ع) آمده است که اساسیه منزل را بعد از من هرگاه که دخترم ام کلثوم به سن بلوغ رسید به عنوان جهیزیه اهداء کن پس نتیجه می گیریم منظور حضرت فاطمه (س) از لفظ ام کلثوم همان حضرت زینب است. چون دختر بزرگ ایشان بوده است.

۲) در تاریخ نقل است: که روزی حضرت زهرا (س)، امام حسن (ع) را بر شانه راست و امام حسین (ع) را بر شانه چپ خود گذارده بود و با دست راستش دست ام کلثوم را گرفته و به خانه پیامبر رفت. (صدوق، ۱۴۰۸: ۱/۱۸۶)

۳) در ماجرای شهادت امام علی (ع) روایت است، که شب شهادت، امام علی (ع) در خانه ام کلثوم بوده است. به طوری که امام یک شب در خانه امام حسن (ع) و یک شب در خانه امام حسین (ع) و یک شب در خانه ام کلثوم (س) مهمان بوده اند. (نقدی، ۱۳۸۱: ۳۷۰)، و صبح آن روز که ضربت خورده است، به روایت های مختلف در اسناد دیگر بجای ام کلثوم، از زینب (س) نام برده اند. یا اینکه در بعضی از منابع بجای ام کلثوم منزل عبدالله ابن جعفر آمده است. که در این صورت منزل عبدالله ابن جعفر و منزل ام کلثوم یکی می شود. پس بنابراین ام کلثوم همان زینب (س) است. و جای شک نیست، که هر دو یک نفر می باشند. و در گزارش دیگری پیرامون شهادت امام علی (ع) باز نام ام کلثوم زینب (س) آمده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۲۷۸). واثری از نام زینب (س) نیست، و هنگام غسل حضرت فاطمه (س) امام علی (ع) صدای امام حسن (ع) و امام حسین (ع) و ام کلثوم و زینب (س) را صدا کرده است. و در ادامه لفظ مفرد را در حدیث بکار برده است. گفته است دخترم، ام کلثوم زینب. و این در عرب مرسوم است، که برای احترام، نام و کنیه را باهم می آوردند. یا کنیه را با نام، مثل: ابوالفضل العباس، که نام و کنیه آقا را باهم می گویند و صدا می کنند. که گویا این دو نفر بوده اند و خواسته اند جهت احترام هم به اسم و هم به کنیه ایشان را صدا بزنند، به طور مثال می گویم ابوالفضل العباس متصور می شود دو نفر است ولی یک نفر است.

۴) در تاریخ آوردن که عمر از حضرت علی (ع) خواست که ام کلثوم را به عقد وی در آورد و ایشان می‌فرمایند: من او را برای برادر زاده ام عبدالله ابن جعفر نگه داشته ام. (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱: ۳/۱۴۲). با توجه به اینکه اختلافی در تاریخ، پیرامون ازدواج حضرت زینب (س) با عبدالله ابن جعفر وجود ندارد. و همه اسناد شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند. پس مشخص می‌شود، که زینب(س) و ام کلثوم(س) یک نفر بوده‌اند.

۵) سند دیگری که ثابت می‌کند. ام کلثوم همان زینب کبری (س) است نوشته، روی قبر حضرت زینب (س) است، که در سوریه می‌باشد. و بنام ام کلثوم است. و یاقوت حموی جغرافیدان بزرگ و معروف تاریخ، قبر ام کلثوم را در شام می‌داند. (حموی، ۱۳۹۹: ۳/۲۰). این دلائل و برخی دلائل دیگر باعث شده است، تا ام کلثوم را همان زینب(س)، یک نفر بدانند. که گاهی با نام زینب (س) و گاهی با نام، ام کلثوم(س) در تاریخ ثبت است. لازم به ذکر است، که در مقتل‌های را که پیرامون حضرت امام حسین (ع) نوشته‌اند، در فرازی از آن آمده است، و قال ام کلثوم زینب که ترجمه آن می‌شود: وچنین گفت زینب و منظور آنها همان ام کلثوم است. به طور مثال می‌توان به مقتل ابومخنف راوی مقتل کربلا رجوع کرد.

ام کلثوم یا زینب(س) در ماجرای شهادت امیرمنان علی (ع)

در روایات آمده است، که حضرت علی (ع) در شب نوزدهم ماه مبارک رمضان، سال ۴۰ هجری که سحرگاهش در مسجد ضربت خورده است. افطار را مهمان دخترش ام کلثوم بوده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۲۲۶). با در روایت دیگری آمده است که پس از ضربت خوردن امام علی (ع) ام کلثوم بی‌تاب بود و پدرش امام علی (ع) او را دلداری داده است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲/۲۲۳).

علت گفتارهای متناقض پیرامون ام کلثوم

در بسیاری از روایات متعدد کُتبه حضرت زینب (س) را از اسم جدا کرده و آنها را دونفر فرض کرده‌اند. به طور مثال: یک نفر اشتباه می‌کند دیگران ادامه می‌دهند و مطالب را تکرار می‌کنند، مثل روزنامه‌های زنجیره‌ی مطلبی را ۵۰ روزنامه می‌نویسد، وقتی به سرمنشاء آنها نگاه می‌کنیم، همه از یک جا سر چشمه گرفته‌اند. روایات و قول‌های متعدد جعلی دروغین در تاریخ بسیار به وفور یافت می‌شود. به طور مثال: یک خودرو مسیر را خلاف می‌رود همه خودروها پشت سر او راه می‌افتند، و چون تعدادشان زیاد می‌شود فکر می‌کنند حق با آنهاست، و فکر می‌کنند که حق همین است، چون حق با اکثریت

است. یا اینکه یک خبری در یک سایت امروزی منتشر می‌شود، از یک خبر گزارى مغرض تمام خبر گزارى‌هاى عالم به آن استناد می‌کنند، که خود خبر گزارى منتشر کننده، هم باور می‌کند که نکند خبر واقعیت داشته است. بعد از چند روز که اصل خبر تکذیب می‌شود، ولى آن مطلب در خاطرها و نوشته‌ها در سایت از خبر کذب پاک نمی‌شود. پس بنابراین کلام انسانها، مانند گلوله ای است که از اسلحه خارج می‌شود و دیگر قابل برگشت نیست. و در تاریخ مورخان یک مطلب را شنیده‌اند آن را نقل کرده‌اند، ولى پیگیر صحت یا کذب آن نشدند. مردم کارى به ناقل خبر ندارند، که آیا راستگو است یا دروغگوست. مثل علامه مجلسى که هر چه را شنیده و دیده است را نقل کرده است کارى به سند و صحت و سقم آن ندارد.

ام کلثوم به روایت عمر رضا کحاله در اعلام النساء

عمر رضا کحاله در کتاب اعلام النساء آورده است، ام کلثوم دختر علی ابن ابی طالب (ع) است که از زنان فاضل عصر خود بوده که پیش از رحلت پیامبر(ص) به دنیا آمد. (کحاله، ۱۴۰۴: ۲۵۵)، (دخیل، ۱۳۶۱: ۳۶). تاریخ وفات ام کلثوم همان تاریخ وفات حضرت زینب(س) است این تاریخ حدود چهار ماه بعد از رسیدن کاروان اسیران کربلا به مدینه نوشته‌اند. (کحاله، ۱۴۰۴: ۲۳۸-۲۴۷).

مراسم تدفین امام علی (ع) از زبان ام کلثوم به روایت علمای اهل سنت

در تاریخ مطالبی از ام کلثوم پیرامون مراسم تشیع و تدفین پدرش امام علی(ع) نقل کرده‌اند: که ام کلثوم گفت: هنگام دفن پدرم، قبر شکافته شد. نمی‌دانم سرورم (پدرم) در زمین دفن گردید، یا به آسمان عروج کرد. ناگهان صدای تسلیت دهنده‌ای را شنیدم که می‌گفت: خداوند شما را در عزای سید و حجت خدا بر خلقش تعزیت دهد. (ابن سعد، ۱۴۱۰: ۸/۱۷۴)، (ابن کثیر، ۱۴۰۷: ۲/۲۹۴).

ام کلثوم(س) یا زینب کبری در واقعه کربلا به روایت سیره نویسان

زرکلی در کتاب الاعلام للملایین آورده است: چون امام حسین(ع) با اهل بیتش وداع کرد. «ام کلثوم ندا بر داد». و گفت: یا ابا عبدالله! وای بر ما در مصیبت بعد از شما، امام حسین (ع) هم ام کلثوم زینب (س) و رباب را تسلیت داد. (زرکلی، ۱۹۸۹: ۲/۳۰۲). سید ابن طاووس در خصوص وداع امام حسین (ع) با خانواده اش در روز عاشورا آورده است که ام کلثوم در این وداع چنین گفته‌اند: یا احمد، یا علیا، یا اخا، یا حسینا، وای بر حال ما بعد از تو ای ابا عبدالله. امام او را تسلی داده‌اند و فرمودند: خواهرم در راه خدا صبر پیشه کن، ساکنان آسمان همه فافی می‌شوند و اهل زمین همه می‌میرند. و همه انسانها

هلاک می‌شوند سپس فرمود: ای ام کلثوم، ای زینب، ای فاطمه و تو ای رباب، چون من کشته شوم، گریبان پاره نکنید و سیلی به صورت نزنید و سخنی که در آن رضای خدا نباشد، بر زبان مرانید. (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۳۴).

رهبری کاروان اسرای کربلا در دوران اسارت

هنگامی که کاروان اسرای کربلا وارد کوفه شد، کوفیان برای اطفال غذا آوردند، ام کلثوم حضرت زینب کبری (س) فریاد زد و گفت: ای اهل کوفه صدقه بر ما اهل بیت پیامبر (ص) حرام است. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/۸۱). به روایت صاحب کتاب نفس المهموم در خصوص واقعه کربلا نوشته‌اند که حضرت ام کلثوم با مشاهده کودکان به دریافت نان و خرما از کوفیان در حالی که گرسنه بوده‌اند نان خرماها را از دست بچه‌ها گرفت و آنها را کنار گذاشت و گفت صدقه بر خاندان پیامبر (ص) حرام است. (قمی، ۱۴۱۲: ۲۱۳)، (دخیل، ۱۳۶۱: ۲۵). لازم به ذکر است که همین مطلب را با همین کیفیت بنام حضرت زینب (س) مورخان در تاریخ اسلام و واقعه کربلا ثبت کرده‌اند. روایت است هنگام ورود کاروان اسرا به شام، ام کلثوم از شمر خواست که سرهای شهداء را از میان اسیران به سمتی ببرند. زیرا مردم که برای استقبال از سپاه پیروز اموی و کاروان اسرا آمده بودند، هدف حضرت زینب (س) این بود که مردم نظرشان به اهل بیت که دارای وضع نامناسبی بودند نیفتد، هدف حضرت این بود که نگاه مردم به سمت دیگری معطوف شود و نظرها به سوی آنان کمتر شود. (ابن هشام، ۱۹۸۵: ۱/۲۰۶).

ام کلثوم به روایت قاضی نعمان مغربی

قاضی نعمان مغربی از تمام اسیران کربلا نام برده است، و نام آنان را در گزارش خود از واقعه کربلا ثبت کرده است و در این ماجرا نامی از حضرت زینب نیست، او در شرح اخبار اسرای کربلا می‌نویسد: افرادی که در روز عاشورا به اسارت گرفته شدند. یکی از آنان علی ابن الحسین (ع) است، که بیمار بود و از زنان نیز ام کلثوم (س) دختر علی ابن ابی طالب (ع) است. (مغربی، ۱۴۰۹: ۳/۱۹۸). طبق نقل این ماجرا که در کتاب شرح الاخبار فی فضائل الائمه اطهار مغربی آمده است و اخباری که دیگران در تاریخ نقل کرده‌اند در می‌یابیم که ام کلثوم همان زینب کبری (س) می‌باشد. در واقع ام کلثوم کُنیه حضرت زینب (س) است، حضرت زینب (س) در زمان حیات امام علی (ع)، با عبدالله ابن جعفر بن طیار پسر عمویش ازدواج کرده است.

خطبه ام‌کلثوم یا حضرت زینب کبری (س) در مجلس ابن زیاد

هنگامی که سر، شهدای کربلا را با سر امام حسین (ع) به همراه اُسرا اهل بیت آن حضرت را بر عبیدالله ابن زیاد وارد کردند. زینب(س) دختر فاطمه(س) کهنه ترین لباسش را پوشید و ناشناس وارد مجلس ابن زیاد شد، و میان کنیزانش نشست. عبیدالله پرسید: این زن کیست. زینب کبری(س) جوابی نداد. تا سه بار این سوال را تکرار کرد، اما حضرت جوابی نداد، یکی از کنیزان گفت: او زینب(س) دختر فاطمه(س) است. عبیدالله ابن زیاد خطاب به زینب کبری(س) گفت: سپاس خدایی را که شما را رسوا کرد. و بزرگانان را کشت، و بدعت‌هایتان را باطل کرد! زینب کبری(س) فرمود: سپاس خدایی را که ماراپاک گردانیدوبه محمد(ص) گرامی داشت. و اما نه آن گونه که تو می‌گویی، همانا فاسق رسوا می‌شود، و فاجر تکذیب می‌گردد. همین مطلب را اسفرائنی در کتاب نورالعین فی مشهدالحسین بنام ام‌کلثوم آورده است. (اسفرائنی، ۱۳۹۹: ۵۷).

روایات علمای اسلام پیرامون ام‌کلثوم یا زینب کبری در واقعه کربلا

شیخ جعفر شوشتری در کتاب الخصائص الحسينیه، استغاثات امام حسین (ع) را در عاشورا نقل کرده است و گفته است، امام زین العابدین (ع) غازم جهاد شده‌اند، عصای در دست داشتن و شمشیری که حمایل کرده بود و بر زمین می‌کشیدند، ام‌کلثوم از خیمه‌ها خارج شد و پشت سر امام حرکت کرد و ندا داد: فرزند برادرم برگردد ولی امام می‌گفت: ای عمه مرا رها کن تا به یاری فرزند پیامبر خدا بروم، امام حسین (ع) فرمود: ام‌کلثوم او را نگه دار، تا زمین از نسل آل محمد خالی نماند. ام‌کلثوم به دستور امام حسین (ع) او را بسوی خیمه‌ها برگرداند. (شوشتری، ۱۴۱۴: ۱۸۷). با عنایت به اینکه همین مطلب را مورخان دیگر در خصوص واقعه کربلا در روز عاشورا بنام زینب (س) ثبت کرده‌اند. تردیدی باقی نمی‌ماند که منظور از ام‌کلثوم همان زینب کبری(س) است. که سید ابن طاووس در لهوف و شیخ شوشتری در خصائص الحسينیه ماجرای کربلا را بنام ام‌کلثوم نقل کرده‌اند. شیخ عبدالله مامقانی درباره ام‌کلثوم در کتاب تنقیح المقال گفته است: ام‌کلثوم زینب دختر امیرالمومنین(ع) است که در کربلا خدمت برادرش حسین(ع) بوده است و در مراجعت به شام و مدینه با حضرت سجاد(ع) همراه بوده است او شخصیتی بسیار فهیم و بلیغ و جلیل القدر می‌باشد. خطبه‌ای را که او در مجلس ابن زیاد، خوانده معروف است. من اورا از وثاق می‌شمارم. (مامقانی، ۱۳۵۲: ۳/۷۳)، (دخیل، ۱۳۶۱: ۳۶). محمدعلی

مدرس خیابانی در کتاب ریحانه الادب در این رابطه آورده است: ام‌کلثوم دختر علی ابن طالب (ع) شخصیتی بسیار فهیم و بلیغ و جلیل القدر می‌باشد. خطبه‌ای را که او در مجلس یزید خوانده است در تاریخ معروف می‌باشد. (مدرس خیابانی، ۱۳۴۶: ۸/۳۲۴)، (دخیل، ۱۳۶۱: ۳۶). با عنایت به نظریه فوق پیرامون ام‌کلثوم در خصوص مطرح شدن خطبه در مجلس ابن زیاد جای تردید باقی نمی‌ماند با توجه به اسناد تاریخی که مورخان به آن تسریح کرده‌اند، خطبه توسط ام‌کلثوم در نزد ابن زیاد و مجلس یزید توسط زینب(س) بیان شده است. نتیجه می‌گیریم که ام‌کلثوم همان زینب است. که مدرس خیابانی از آن به ام‌کلثوم در تاریخ خود یاد کرده است. پژوهشگر مشهور مولف دانشنامه بزرگ ناسخ التواریخ چند بار تصریح کرده است که مراد از ام‌کلثوم در روایات همان زینب کبری (س) است. (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۱۰). محدث محقق سید نورالدین محمد بن مرتضی به این مطلب تسریح دارد، که مراد از ام‌کلثوم که ابن طاووس به نقل از ایشان خبر دفن امیرالمؤمنان را روایت کرده است، آن بانو هنگام دفن امیرالمؤمنان از نجف اشرف خارج شده و جنازه پدرش را تشییع کرده است همان زینب(س) دختر علی (ع) است. (ابن طاووس، ۱۳۷۷: ۶۴)، (نقدی، ۱۴۱۱: ۳۸)، (مجلسی، ۱۳۸۳: ۴۲/۲۱۶)، (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸، ۷/۲۳۰). به روایت دیگر هم به تسریح برخی از منابع آن ام‌کلثوم که ماجرای دفن مادرش حضرت فاطمه(س) را نقل می‌کند، همان زینب(س) دختر علی (ع) است. (نقدی، ۱۴۱۱: ۱۸)، (انصاری زنجانی، ۱۴۲۸: ۵/۳۷۸)، (رحمانی همدانی، ۱۳۷۲: ۶۳۵). علامه محقق هبه‌الدین شهرستانی معتقد است که امیرالمؤمنان (ع) دختری بنام زینب و ملقب به ام‌کلثوم داشته است، که همان بانوی کربلا است. که ابن عباس او را بانوی خردمند بنی‌هاشم می‌نامید. (شهرستانی، ۱۳۸۸: ۱۴۱). علامه سید نورالدین جزایری، مولف کتاب الخصائص الزینبیه به این موضوع تسریح نموده است که بیشتر خطبه‌ها و مرثیه‌های که به ام‌کلثوم نسبت داده می‌شود، متعلق به همین بانوی محترم، یعنی حضرت زینب (س) است، این دیدگاه قوی‌ترین دیدگاه در این موضوع است. (جزایری، ۱۳۶۲: ۶۵).

محل دفن حضرت زینب(س) یا ام‌کلثوم به روایت مورخین

به روایت عماد الدین طبری: ام‌کلثوم خواهر امام حسین (ع) در شام، سوریه متوفی شد (طبری، ۱۳۶۲: ۲/۳۷۱). به روایت ابن بطوطه: در نزدیکی شهر شام حدود یک فرسنگی آن مزاری است بنام مزار ام‌کلثوم دختر حضرت علی و حضرت فاطمه(س) است. (ابن بطوطه، ۱۴۱۷: ۳۲۳). به روایت یاقوت حموی در معجم اللبدان: قبر ام‌کلثوم در زوایه دمشق است (حموی، ۱۳۹۹: ۳/۲۰). عبدالرزاق بن

حسن بن ابراهیم بیطار میدانی در کتاب حلیه البشر آورده است: که قبر زینب کبری(س) در دمشق می‌باشد، و دختر علی(ع) و فاطمه(س) است، کُنیه اش ام‌کلثوم است. (بیطار میدانی، ۱۴۱۳: ۳/۱۲۸۳). ابن طیفور در کتاب بلاغات النساء می‌نویسد: وفات ام‌کلثوم پس از سال ۶۱ هجری قمری بعد از واقعه کربلا رخ داده است. (ابن طیفور، ۱۳۷۱: ۲۳-۲۴). علی محمد علی دخیل در کتاب ام‌کلثوم می‌نویسد: وفات حضرت زینب(س) شب یکشنبه چهارده رجب سال ۶۲ هجری رخ داده است. (دخیل، ۱۳۶۱: ۱۸).

نتیجه‌گیری

با تحقیق به عمل آمده پیرامون ام‌کلثوم با توجه به اسناد و مدارک منظور از ام‌کلثوم در احادیث و روایات و اخبار رسیده ام‌کلثوم همان زینب کبری(س) است که بعضی اسناد تاریخی با اسم و در برخی دیگر با کُنیه نام برده می‌شود. همان طوری که پیامبر اکرم (ص) گاهی با اسم و گاهی با کُنیه ایش یاد می‌شود. میر المومنین (ع) نیز گاهی با اسم و گاهی با کُنیه اش ابو تراب یاد می‌شود. در مورد دیگر ائمه اطهار (ع) نیز وضعیتی به همین شکل داشته‌اند. و معمول است در هنگام وارد آمدن مصیبت و بلا و گرفتاری روزگار در بسیاری از موارد افراد را با اسم و گاهی با کُنیه خطاب قرار می‌دهند. در هر صورت حضرت زینب کبری(س) فرزند سوم حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه(س) است، که در دوران حیات پیامبر (ص) متولد شده است و این نام را پیامبر (ص) بر او گذاشته است. و در منابع تاریخی و روایی به ام‌کلثوم شهرت دارد. و ام‌کلثوم در اصل کُنیه حضرت زینب(س) می‌باشد. به طوری که در مقاتل نوشته‌اند، می‌گویند قال ام‌کلثوم زینب، در اصل ام‌کلثوم همان زینب(س) است. که شخصیت حقیقی پیام رسان واقعه کربلاست. او رئیس کاروان اسرای کربلا در معیت امام سجاد(ع) است. و خطبه او در مجلس ابن زیاد در کوفه و خطبه دیگرش در مجلس یزید در شام مشهور است، او زینب(س) همان همسر عبدالله ابن جعفر طیار پسر برادر امیرالمومنین علی(ع) می‌باشد. زینب کبری(س) همان ام‌کلثوم است و قبرش در منطقه زاویه دمشق می‌باشد. لازم به ذکر است، که مورخان در کتب و اسناد تاریخی تشیع و تسنن از دو اسم زینب و ام‌کلثوم از او یاد می‌کنند. لازم به ذکر است که تمام منابعی که از فریقین پیرامون ام‌کلثوم سخنی به میان آورده‌اند، همه مورخان تاریخ ولادت و وفات و خطبه‌های ام‌کلثوم را همان ولادت و وفات و خطبه‌های حضرت زینب کبری(س) را نقل کرده‌اند. در اصل تاریخ‌های آنها همه یکی است. و اختلاف در نقل اسامی است، یعنی تاریخ ولادت و وفات ام‌کلثوم و حضرت زینب یکی است. و اختلافی در آن وجود ندارد همه ولادت را سال

ششم هجری و وفات او را چهار ماه بعد از ورود کاروان کربلا به مدینه نوشته‌اند. و همچنین بعضی مورخان عین همین خطبه را بعضی بنام ام‌کلثوم و بعضی بنام حضرت زینب ثبت کرده‌اند. بنابراین تمام آنچه در کتابهای اهل سنت و شیعه پیرامون ام‌کلثوم روایت شده است همه نظریه‌های مطرح شده در خصوص شخصیت مستقل ام‌کلثوم و همچنین ازدواجش و فرزندان را که به وی نسبت داده‌اند به طور کل همه از نظر علمی بی اساس و بی پایه می‌باشند و از نظر عقلی مردود است، و شان اهل بیت از این چیزهای که پیرامون ام‌کلثوم که همان زینب کبری است ذکر شده مبرا می‌باشد. داستانهای جعلی با اهداف تخریب نگاشته شده‌اند به طور مثال اولین شخصی که این مطالب را بر زبان رانده است، زبیر ابن عوام است که از مخالفان امام علی (ع) و دشمنان خونی اهل بیت می‌باشد و گفتار او سندیت ندارد. پایان عمر او شرکت در جنگ جمل بر علیه حاکمیت امام علی (ع) بوده است، وی در جنگ جمل به دست سپاه امام علی (ع) کشته شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن ابی طیفور، ابوالفضل احمد بن ابی طاهر، (۱۳۷۱)، بلاغات النساء، قم، نشر رضی.
۲. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری شیبانی، (بی تا)، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۳. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد جزری شیبانی، (بی تا)، جامع الاصول من احادیث الرسول، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۴. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۷)، الرحله ابی بطوطه، تحقیق عبدالهادی التازی، اکادیمیة المملکه المغربیه.
۵. ابن طاووس، سید عبدالکریم، (1419)، فرحه الغری، بیروت، نشر مرکز غدیر.
۶. ابن طاووس، سید عبدالکریم، (۱۳۷۷)، لهوف، قم، نشر بخشایش.
۷. ابن هشام، (۱۹۸۵)، سیره النبی، تحقیق مصطفی السقی و دیگران، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۸. اسفرائینی، ابواسحاق، (۱۳۹۹)، نورالعین فی مشهد الحسین، بمبئی، نشر سنگی.
۹. اصفهانی، ابوالفرج علی بن حسین، (۱۴۲۶)، مقاتل الطالبین، بیروت، دارالمعرفه.
۱۰. اصفهانی، عبدالله بحرانی، (۱۳۸۷)، عوالم العلوم والمعارف والاحول، قم، المنشورات موسسه الامام المهدي.
۱۱. امین، سید محسن، (۱۴۰۶)، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعریف المطبوعات.
۱۲. انصاری زنجانی، اسماعیل، (۱۴۲۸)، الموسوعه الکبری عن فاطمه الزهراء، قم، نشر منشورات دلیل.
۱۳. بغدادی، عبدالله بن محمد بن عبید، (بی تا) مقتل امیرالمومنین، قم، ناشر وزارت ارشاد اسلامی.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، (۱۳۴۹)، انساب الاشراف، تحقیق، بیروت، موسسه الاعلمی المطبوعات.
۱۵. بیطار میدانی، عبدالرزاق بن حسن بن ابراهیم، (۱۴۱۳)، حلیه البشر، بیروت، نشر دارصادر.

۱۶. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین بن علی، (۱۳۳۴)، السنن بیهقی (سنن الکبری)، بیروت لبنان، دارالمعرفه.
۱۷. جزایری، سید نورالدین، (۱۳۶۲)، خصائص الزینیه، قم، نشر نگینی مسجد مقدس جمکران.
۱۸. حاکم نیشابوری، (۱۴۱۱)، مستدرک علی الحسین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۹. حسینی شهرستانی، هبه الدین، (۱۳۴۳)، نهضه الحسین، بیروت، دارالکتب العربیه.
۲۰. حموی، یاقوت، (۱۳۹۹)، معجم البلدان، بیروت، ناشر دارالاحیاء التراث العربی.
۲۱. دخیل، علی محمد علی، (۱۳۶۱)، ام کلثوم، ترجمه صادق آینه وند، تهران، نشر امیر کبیر.
۲۲. دمشقی، ابوالفداء ابن کثیر، (۱۹۶۶)، البدایته و النهایته، بیروت، مکتب المعارف.
۲۳. دینوری، ابن محمد عبدالله ابن مسلم ابن قتیبه، (۱۴۰۷)، المعارف، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۲۴. رحمانی همدانی، احمد، (۱۳۷۲)، فاطمه الزهرا بهجت القلب المصطفی، تهران، نشر مرضیه.
۲۵. زرکلی، خیر الدین، (۱۹۸۶)، الاعلام للملایین، بیروت، نشر دارالعلم.
۲۶. سبط ابن جوزی، یوسف بن قزعلی بغدادی، (۱۴۲۶)، تذکره الخواص من الائم به ذکر خائص الائم، قم، مجمع جهانی اهل بیت.
۲۷. سپهر، عباسقلی خان، (۱۳۳۷)، ناسخ التواریخ، تهران، نشر تهران.
۲۸. شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۴۱۲)، مناقب آل ابی طالب، بیروت، دارالاضواء.
۲۹. شوشتری، شیخ جعفر، (۱۴۱۴)، الخصائص الحسینیه، بیروت، نشر دارالثور.
۳۰. صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، (۱۴۰۸)، علل الشرایع، بیروت، دارالاحیاء التراث.
۳۱. طبرسی، فض بن حسن، (۱۳۹۹)، اعلام واره، به کوشش علی اکبر غفاری، بیروت.
۳۲. طبری، عمادالدین، (۱۳۸۴)، کامل بهایی، تعریب محمد شعاع فاخر، قم، نشر حیدریه.
۳۳. طبری، محمد ابن حریر، (۱۳۶۲)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساتیر.
۳۴. طبری، محب الدین احمد بن عبدالله، (۱۴۲۸)، ذخائر العقبی، قم، دارالکتب الاسلامی.
۳۵. طبسی، محمد جواد، (۱۳۹۴)، دوردانه دلدا، قم، ناشر بوستان کتاب.
۳۶. عاملی، جعفر مرتضی، (۱۴۲۶)، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم، نشر دارالحدیث.

۳۷. عبدالوجود، عادل احمد ومعوضی، علی محمد، (۱۴۱۴)، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیرالعباد، بیروت، نشر دارالکتب العلمیه.
۳۸. عزیزی علویه، مصطفی، (۱۳۸۶)، ازدواج ام کلثوم با عمر در هاله‌ای از ابهام، میلان.
۳۹. عسقلانی، احمد بن حجر، (بی‌تا)، الاصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۰. علوی العمری، نجم الدین ابی الحسن علی بن محمد بن علی بن محمد، (۱۳۸۰)، فی انساب الطالبین، قم، نشر کتابخانه مرعشی نجفی.
۴۱. غلامی، یوسف، (۱۳۹۳)، تبسم نام‌ها، قم، دفتر نشر معارف اسلامی.
۴۲. فاطمی، مهدی، (۱۳۸۵)، غنچه گل یاس، قم، چاپ گل نشر.
۴۳. قمی، عباس، (۱۴۱۲)، نفس المهموم، بیروت، دارالمحجّه البیضاء.
۴۴. کائی، قربانعلی، (۱۳۸۰)، حماسه در زنجیر، تهران، نشر امام خمینی (ره).
۴۵. کحاله، عمر رضا، (۱۴۰۴)، اعلام النساء، بیروت، نشر الرساله.
۴۶. مامقانی، عبدالله، (۱۳۵۲)، تنقیح المقال، نجف اشرف، نشر مرتضوی.
۴۷. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، موسسه وفا.
۴۸. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۳)، بحار الانوار، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. محمدهاشم بن محمد علی، (۱۳۸۲)، منتخب التواریخ، قم، کتابفروشی اسلامی.
۵۰. محمود، احمد، (۱۴۱۹)، نورالیقین فی سیره المرسلین، مصر، ناشر مکتبه الایمان.
۵۱. مدرس خیابانی، محمد علی، (۱۳۴۶)، ریحانه الادب، تبریز، نشر تبریز.
۵۲. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله، (۱۴۰۹)، احقاق الحق وازهاق الباطل، قم، مکتب آیت الله مرعشی نجفی.
۵۳. مغربی، قاضی نعمان، (۱۴۰۹)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه اطهار، قم، جامعه مدرسین.
۵۴. مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد، (۱۴۱۳)، الارشاد، قم، نشر کنگر.
۵۵. ملکی اختب الخوارزمی، الموافق بن احمد، (۱۳۶۳)، مقتل الحسین، قم، نشر مکتب المفید.
۵۶. میلانی، سید علی حسینی، (۱۳۸۶)، ازدواج ام کلثوم با عمر، قم، نشر حقایق اسلامی.
۵۷. نقدی شیخ جعفر، (۱۳۸۱)، انوار العلویه، نجف، مطبعه الحیدریه.
۵۸. نقدی، جعفر، (۱۴۱۱)، زینب کبری، تهران، نشر امام حسین (ع).

The Legend of Umm Kulthum

Mohammadreza Tabib¹, Abdol Aziz Movahed², Ghafar PorBakhtiar³

Abstract

Zaynab Kobra (PBUH) is the daughter of Hazrat Ali (PBUH) and Hazrat Fatimah (PBUH) who has opened her eyes to the world in the sixth century of AH. The name Zaynab was named by the Prophet (PBUH) and they had given her various nicknames, such as Aghileh Bani Hashem, Umm Kulthum in history. In Arabic literature, Umm Kulthum is a nickname to respect a dear lady which is considered to be reverence.

Umm Kulthum is one of the most popular and common nicknames of Hazrat Zaynab (PBUH) that has been given to her.

Despite the reputation of the great lady of Islam and their role, especially in the terrible events at Karbala, as well as other issues related to the lives of Imams, many of her life are in the aura of ambiguity.

(Due to the dominant powers of the time, such as Banu Umayya and Abbasid which have been the enemies of the Ahl al-Bayt, the life of Hazrat Zaynab (PBUH) also has some ambiguity, including is Zaynab the same as Umm Kulthum or is it related to the two daughters of Hazrat Ali (PBUH) and Fatimah (PBUH)?

In this study, which has been written in a descriptive-analytic manner, the author by using the main historical sources has concluded that Umm Kulthum is the same as Zaynab (PBUH), and Hazrat Fatimah and Hazrat

¹ Student of Islam history Group, Shoushtar branch, Islamic Azad University, Shoushtar, Iran.

² Assistant of Peofessor, Islamic Azad University of Shoushtar, Shoushtar, Iran.Movahed.2011@yahoo.com

³ Assistant of Peofessor, Islamic Azad University of Shoushtar, Shoushtar, Iran porbakhtiarghafar@yahoo.com

Ali (PBUH) had only one daughter, and that was Zaynab (PBUH) whose nickname was Umm Kulthum.)

Keywords: Umm Kulthum, Zaynab, Ali (PBUH), Fatimah (PBUH)